Discourse of History

Print ISSN: 2383 - 1944
Online ISSN: 2783 - 235X

Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

The process of socio-cultural empowerment of Muslim women in the life of Hazrat Fatima (peace be upon her)

Zahra Soleimani Sheikhabadi, ✉[1], and **Asghar Montazerolqaem,** [2]

1.Department of Islamic Studies, Farhangian University, P.O. Box 889-14665 Tehran, Iran. E-mail: z.soleimani@cfu.ac.ir
2.Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: k.fathi@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 29 April 2025
Received in revised form
7 June 2025
Accepted 28 June 2025
Available online
30 June 2026

Keywords:
The life of Hazrat Fatima (peace be upon her),
Muslim women,
social empowerment,
self-efficacy.

ABSTRACT

Empowerment, as a key process in civilizational maturity, plays an important role in strengthening individual and social capacities. This article, with the aim of theoretical and historical analysis, examines the role of Hazrat Fatima (peace be upon her) in the process of women's empowerment in the field of human resource management. The research method is descriptive-analytical and based on primary historical and managerial sources. The main question of the research is how did Hazrat Fatima (peace be upon her) provide the grounds for women's empowerment in critical political, social, and cultural conditions? The hypothesis of the article is that during the prophetic and post-prophetic era, she presented a model of Muslim women's empowerment by preserving the dignity and self-esteem of women and being active in the public arena. The research findings show that her character has strengthened intellectual resources and recognition of priorities, provided coaching to increase women's awareness and socio-political growth, improved their skills in dealing with challenges and threats, and strengthened their sense of self-efficacy. This research, while explaining the prerequisites and processes of empowerment, highlights the importance of women's active participation in social changes and introduces the role of Hazrat Fatima (peace be upon her) as a symbol of powerful and influential leadership in Islamic history. The results of the article can be applied in developing human resource management models and promoting the role of women in society.

Cite this article: Soleimani Sheikhabadi, Zahra., &. Montazerolqaem, Asghar (2026). The process of socio-cultural empowerment of Muslim women in the life of Hazrat Fatima (peace be upon her). *Discourse of History*, *20* (54), 95-107. https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.20910.1621

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: https://doi.org/10.22034/skh.2025.20910.1621

سخن تاریخ
Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir
شاپا چاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳

فرایند توانمندسازی فرهنگی اجتماعی بانوان مسلمان در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها

زهرا سلیمانی شیخ آبادی ✉[1] و اصغر منتظرالقائم[2]

۱. نویسنده مسئول، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹– ۱۴۶۶۵ تهران، ایران. رایانامه: z.soleimani@cfu.ac.ir

۲. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: montazer5337@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی – پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

کلیدواژه‌ها:
سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها،
بانوان مسلمان،
توانمندسازی اجتماعی،
خود کارآمدی.

چکیده

توانمندسازی به‌عنوان فرآیندی کلیدی در بلوغ تمدنی، نقش مهمی در تقویت ظرفیت‌های فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. این مقاله با هدف تحلیل نظری و تاریخی، به بررسی نقش حضرت فاطمه علیهاالسلام در فرآیند توانمندسازی بانوان در حوزه مدیریت منابع انسانی می‌پردازد. روش پژوهش، توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر منابع اصلی تاریخی و مدیریتی است. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه حضرت فاطمه علیهاالسلام در شرایط بحرانی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های توانمندسازی بانوان را فراهم ساخت؟ فرضیه مقاله بر این است که آن حضرت در دوران نبوی و پس نبوی، با حفظ کرامت و عزت نفس زنان و حضور فعال در عرصه عمومی، الگویی از توانمندی زن مسلمان ارائه نمودند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیره ایشان موجب تقویت منابع فکری و شناخت اولویت‌ها، مربی‌گری برای افزایش آگاهی و رشد اجتماعی–سیاسی بانوان، ارتقای مهارت‌های مقابله با چالش‌ها و تهدیدها و تقویت احساس خودکارآمدی در آنان شده است. این پژوهش ضمن تبیین پیش‌نیازها و فرآیندهای توانمندسازی، اهمیت حضور فعال زنان در تحولات اجتماعی را برجسته ساخته و نقش حضرت فاطمه علیهاالسلام را به‌عنوان نمادی از رهبری توانمند و اثرگذار در تاریخ اسلام معرفی می‌کند. نتایج مقاله می‌تواند در توسعه مدل‌های مدیریت منابع انسانی و ارتقای نقش زنان در جامعه کاربردی باشد.

استناد: سلیمانی شیخ آبادی، زهرا؛ و منتظرالقائم، اصغر (۱۴۰۵). فرایند توانمندسازی فرهنگی اجتماعی بانوان مسلمان در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها ، ۲۰ (۵۴)، ۱۰۷–۹۵. https://doi.org/10.22034/SKH.2025.20910.1621

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه.
© نویسندگان.

مقدمه

امروزه همه دولت‌ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خود، نیروی انسانی را در رأس امور می‌دانند. توانمندسازی نیروی انسانی بی‌گمان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود. همچنین نقش تعیین‌کننده نیروی انسانی در توسعه‌یافتگی کشورها بر کسی پوشیده نیست؛ در واقع از میان عوامل تولید برای رشد و توسعه یعنی منابع طبیعی و ثروت خدادادی و نیروی انسانی و سرمایه و مدیریت و تکنولوژی، نیروی انسانی سهم اصلی را بر عهده دارد. لذا مهمترین و حیاتی‌ترین دارایی هر جامعه، نیروی انسانی آن است و لازمه دستیابی به اهداف جامعه، مدیریت مؤثر این منابع با ارزش است. فقدان نیروی انسانی کارآمد- اگر چه ارکان دیگر به درستی طراحی و سازماندهی شده باشند- عدم کارایی و سستی سایر اجزا را به دنبال خواهد داشت. از راه‌های اصلی پیشرفت جامعه توجه به بانوان است؛ حضور بانوان به عنوان نیمی از منابع انسانی در عرصه‌های مختلف می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سرنوشت نظام اسلامی داشته باشد. توانمندسازی بانوان، در برگیرنده افزایش مشارکت، خودآگاهی و قابلیت اعتماد آنان است. توانمند کردن بانوان از طریق ارائه الگوها، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، علاوه بر حفظ ارزش معنوی و کرامت زن می‌تواند مصالح جامعه را صیانت کند. پس توانمند بودن و توانمند ساختن بانوان، جامعه را در رسیدن به پیشرفت کمک خواهد کرد و از طرف دیگر به ترقی و تعالی نیمه از جامعه نیز منجر می‌شود. لذا جامعه‌ای که ادعای رسیدن به توسعه و پیشرفت را دارد ناگزیر به توجه خاص به مقوله بانوان است. آنچه در اندیشه‌ی توحیدی به عنوان تکلیف همسان بر عهده‌ی زنان و مردان مسلمان نهاده شده، مشارکت اجتماعی در جهت اعتلای کلمه‌ی توحید در جهان بشریت است. لذا بانوان می‌توانند از طریق شرکت فعالانه در عرصه‌های مختلف، صلاحیت و شایستگی‌هایشان را پرورش دهند و موجب تثبیت هویت خود در جامعه شوند.

معرفی الگوی زنانه در مدیریت توسط قرآن و روایات اسلامی از راهکارهای توانمندسازی بانوان محسوب می‌شود که چالش‌هایی چون تحقیر شخصیت زنان در اجتماع و نادیده انگاری مشارکت آنان را بهبود می‌بخشد. قرآن در آیه ۳۵ سوره احزاب، زن را نیمه حقیقی امت اسلامی معرفی می‌کند. قرآن با ذکر نمونه‌هایی از حضور بانوان در متن جامعه ضمن تأکید بر این حضور، آنان را تمجید نموده است؛ چنانکه بلقیس به عنوان یک زن در بالاترین مقام سرزمینی معرفی می‌شود که با تدبیرش نه تنها قوم خویش را از جنگ نجات داد بلکه خود را به هدایت رساند(نمل، ۲۰- ۴۴) ؛ این زن از دیدگاه قرآن شایسته رهبری امت است. لزوم حیا و حریم در روابط اجتماعی با حرکت دختران شعیب به تصویر کشیده شده است(قصص، ۲۴)؛ و در خانه فرعون، زنی را به تصویر می‌کشد که ناجی جان پیامبر خدا(قصص، ۹) و منتقد اعمال همسرش در ظلم به جامعه است(تحریم، ۱۱).

فرضیه مقاله آن است که حضرت فاطمه(س) در دوران نبوی(ص) و پسا نبوی(ص) و بنا به مقتضیات زمانه ضمن حفظ کرامت و عزت نفس، با حضور به موقع و قابل توجه در صحنه عمومی، مدلی از توانمندی یک بانوی مسلمان را ترسیم نمود که پیامد واکاوی سبک مدیریتی آن حضرت در این مورد، راهبرد توانمندسازی بانوان را در پی دارد. بر اساس پژوهش حاضر، حضرت فاطمه علیها السلام یک شخصیت فراتاریخی است که عملکرد، مرجعیت فکری و شیوه مدیریتی ایشان در مواجهه با شرایط خاص زمانه می‌تواند راهبردهایی کاربردی برای توانمندسازی بانوان در کلیه اعصار ارائه دهد. مؤلفه‌های به کار گرفته شده از سوی آن حضرت متغیر مستقل و مقوله توانمندسازی متغیر وابسته است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. تأکید بر مبحث توانمندسازی از آن روست که این نظریه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مهمی در باروری فرهنگی و تمدن‌سازی دارد.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی با محوریت توانمندسازی بانوان صورت گرفته است تا جایی که رسیدن به آمار دقیق از آن را دشوار می‌نماید. "چالش‌ها و راهکارهای توانمندسازی اجتماعی زنان در قرآن و روایات" عنوان مقاله‌ای است از زینب ثمنی، حمیدرضا حاجی‌بابایی و فاطمه رضازاده عسکری انتشار یافته در فصلنامه مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الفاطمه دوره ۹، شماره۲، تابستان ۱۴۰۰؛ نویسندگان در این اثر تلاش خوبی به منظور استفاده از مصادر و پوشش محتوای مقاله به این روش نموده‌اند و راهکارهای توانمندسازی اجتماعی زنان را در قالب تبیین تکلیف و عبادت الهی، ارائه الگوهای مطلوب زنانه در مشارکت اجتماعی، تعیین شرایط حضور زنان و برجسته سازی الویت‌ها بیان نموده‌اند.

نیکوقدم، مسعود، قلی زاده امیرآباد، محدثه، خوشنودی، عبدالله(۱۳۹۷)بررسی تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه دموکراسی، زن در توسعه و سیاست،(۴) ۱۶. مقاله مذکور تأثیر توانمندسازی زنان را در بهره‌وری اقتصادی بررسی نموده و توسعه دموکراسی را هدف برای رسیدن به بهره وری مادی بیشتر معرفی نموده است.

مقاله "درآمدی بر ظرفیت‌های اسلام برای توانمندسازی زنان در کشورهای اسلامی با تأکید بر آیات قرآن" از شکیبا سادات هاشمیان، سعید گازرانی، علی اصغر داوودی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، دوره۱، شماره ۴، اسفند ۱۴۰۱، نشان می‌دهد مبانی اسلامی برگرفته از قرآن از ظرفیت لازم برای توانمندسازی زنان مسلمان و رفع تبعیض، بی عدالتی و نابرابری علیه آنان برخوردار است که احترام به زنان، پذیرش حق آموزش و حقوق اقتصادی آنان از مهمترین ظرفیت‌های اسلام برای توانمندسازی زنان است. با توجه به مبانی اصلی استخراج داده‌های این مقاله که بر اساس آیات قرآن است مبنا و پیشینه خوبی برای نگارش مقاله حاضر می‌باشد.

فریدونی و مهران(۱۳۹۱) در مقاله‌ای مروری با عنوان "دریافتی نو از مفهوم تواناسازی زنان، عناصر و فرایندها"، ضمن تأکید بر اهمیت مفهوم توانمندسازی زنان در روند ایجاد تغییر در نگرش‌های مردسالارانه و سنتی حاکم بر برخی جوامع کوشیده‌اند با مرور بیش از ۳۰ مقاله و کتاب این حوزه، عناصر اصلی این مفهوم را استخراج کنند که در نهایت به عنوان فصل مشترک منابع مختلف به مولفه‌های استخراج، آموزش، توانمندی در دو سطح فردی و گروهی و توانمندی به مثابه فرایند و پیامد رسیده و بر اساس آن و برای پوشش ابعاد مختلف این مفهوم تعریفی نیز ارائه داده‌اند.

جنبه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین، بررسی نسبت حضرت فاطمه سلام الله علیها با توانمندسازی بانوان است. به بیان دیگر در هیچ یک از این آثار تأثیر آموزه‌ها و سیره مدیریتی حضرت فاطمه بر توانمندسازی بانوان بررسی نشده است. مقالات ذکر شده و نمونه‌های متعدد مشابه آن، به عنوان پیشینه‌ای در موضوع توانمندسازی بانوان، ضمن اینکه فاقد رویکرد در تلفیق میان مباحث تاریخی و مدیریتی در مبحث توانمندسازی هستند؛ به این مسأله بی‌توجهند که ایجاد مهارت توانمندسازی بانوان به عنوان یکی از اهداف مدیریتی و بلندمدت حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. در واقع موضوع نوشتار حاضر فاقد سابقه پژوهشی در میان مقالات نوشته شده است؛ این پژوهش با نگاهی متفاوت از پژوهش‌های قبل، به بررسی سیره مدیریتی حضرت فاطمه(س) در توانمندسازی بانوان با تاکید بر منابع مدیریتی پرداخته است و از این دیدگاه مقاله جنبه نوآوری دارد.

مبانی نظری

توانمندسازی[1]: به رغم اینکه در ادبیات مدیریت، واژه توانمندسازی بسیار وسیع بکار رفته است، ولی معنای شفافی از آن در دست نبوده و محققان، تعریف مشترکی از آن ارائه نکرده‌اند(Gerbich, 2007,p 115). از دیدگاه بسیاری از صاحبنظران، توانمندسازی به معنی قدرت بخشیدن است؛ به این معنی که به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند و نیز بر احساس ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند و در افراد شوق کار و فعالیت ایجاد کنیم(دیوید ای. تن و کیم. اس، کمرون، ۱۳۸۳: ۱۵). تواناسازی دادن قدرت به افراد نیست بلکه آزاد کردن قدرت در افراد است(جعفری قوشچی، ۱۳۸۰: ۳۷۰). واکاوی مفهوم "توانمند سازی زنان"[2]و تلاش برای طراحی الگوی مناسبی به منظور اجرایی ساختن آن، امری مهم هم در حوزه توسعه اقتصادی و هم در حوزه عدالت اجتماعی محسوب می‌شود.

"**توانمندسازی اجتماعی**"، شامل حضور اجتماعی، مشارکت در زندگی همگانی، مورد احترام واقع شدن توسط دیگر اعضای جامعه و ارتباط برقرار کردن فراتر از جامعه محلی با انجمن ها و جنبش های اجتماعی تعریف شده است(تاج الدین، ۱۳۹۳: ۱۳۴)

فرایند توانمندسازی

توانمندسازی نیروی انسانی، یک فرایند است و از طریق آن فرهنگی توسعه می‌یابد که در آن آرمان‌ها، اهداف، مرزهای تصمیم‌گیری

---

[1] . Empowermet

[2] . Women Empowering

و نتایج تأثیرات و تلاشهای آنان در کل جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود. توانمندسازی فرایند شدن است و باید به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه به شمار آید. فرایند توانمندسازی مستلزم سه پیشنیاز اصلیِ ویژگی‌های حرفه‌ای، ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر و سَبک رهبری می‌باشد. این پیش‌نیازها، بستر لازم برای موفقیت برنامه‌های توانمندسازی را فراهم می‌آورند.

الف) ویژگی‌های حرفه‌ای: این ویژگی‌ها به شرح زیر است:

۱-آموزش: آموزش بدین جهت ضروریست که افراد را قادر می‌سازد به نوعی دانش دست یافته تا به عنوان عضوی از یک تیم در تغییر سیستم، فعالانه ایفای نقش نمایند. این نوع آموزش شامل فنون رهبری، مهارتهای حل مشکل، ارتباطات و آماده‌سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش‌های اجتماعی می‌باشد.

۲-ارشاد: اشاره به راهنمایی‌هایی دارد که افراد با تجربه به افراد کم تجربه انتقال می‌دهند تا موجبات آرامش و رشد آنان را فراهم نمایند و سودمندترین رفتارهای افراد با تجربه، رفتارهایی هستند که توان بالقوه افراد را شناسایی، به الگوسازی نقش‌ها و ارتقاء مسئولیت‌پذیری و فرصت‌ها کمک و بر اطمینان آنان بیفزاید.

ب) ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر: ساختار فرهنگی اجتماعی بر توانمندسازی افراد موثر است. در یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر، برقراری اجماع، سبک‌های دموکراتیک، ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در نهاد، مورد ترغیب و تشویق قرار می‌گیرد و بر روی مسائلی چون تیم‌سازی و جریان آزاد و تبادل اطلاعات تأکید می‌شود(فرهنگی و اسکندری، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

ج) سَبک رهبری: سبک رهبریِ کارآمد جزء لاینفک ایجاد محیط پرورش نیروی انسانی توانمند است. مدیران مستبد به دلیل نگرش سنتی قدرت، هرگز قادر به توانمندسازی زیردستان نخواهند بود. می‌توان گفت فردی که مسئول بهبود عملکرد و مهارتهای فردی اعضای گروه است، فراهم کننده محیطی برای بهبود عملکرد گروهی است که یک مهارت اساسی به منظور ایجاد توانمندی محسوب می‌گردد(اسکات و ژافه، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

فرایند توانمندسازی نیز در دو مرحله مطرح است:

۱-ارائه اطلاعات: قرارگرفتن اطلاعات لازم در اختیار نیروی انسانی منجر به اعتماد به نفس و آگاهی آنان از وضعیت فعلی سازمان شده، موجب تحکیم فرهنگ و اعتماد و همدلی می‌شود.

۲- استقلال: باید در چارچوب مشخص باشد، تا از اتلاف انرژی بیهوده جلوگیری کند(نادری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲ و ۱۳).

توانمندسازی نیروی انسانی یک فرایند فرهنگی است که در آن اهداف و تأثیرات افراد در جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود. آموزش، راهنمایی، محیط دموکراتیک و ارتباطات باز، همراه با رهبری کارآمد، بستر موفقیت توانمندسازی را فراهم می‌کنند. این فرایند شامل دو مرحله ارائه اطلاعات برای افزایش آگاهی و ایجاد استقلال در چارچوب مشخص برای جلوگیری از اتلاف انرژی است که به افزایش اعتماد به نفس و کارایی نیروی انسانی منجر می‌شود و مشارکت مؤثر و مسئولانه افراد را تضمین می کند.

حضرت فاطمه(س)[1] و توانمندسازی بانوان مسلمان

حضرت فاطمه علیهاالسلام با وقوع حوادث پس از رحلت رسول الله(ص) یعنی کنار گذاشتن امیرالمؤمنین و غصب خلافت، هوشمندانه به مواجهه با تفکرات حاکم بر جوّ جامعه پرداخت و ضمن تأکید بر ضرورت حضور و آمادگی بانوان برای تأثیرگذاری در عرصه جامعه، از مهمترین اصل اسلامی یعنی ولایت که در قرآن با عنوان اکمال نعمت(مائده،۳) یاد شده به دفاع برخاست. آن حضرت به عنوان دختر رهبر جامعه اسلامی، در بطن مسایل سیاسی جامعه و بحران‌ها تربیت یافته بود و لذا فعالانه وارد عرصه جامعه شد و به صورت یک سیاستمدار آگاه و مدافع حریم ولایت، رهبری دفاع از امامت را بر عهده گرفت. هر چند باور جاهلیت نسبت به

---

۱ . حضرت فاطمه علیهاالسلام در بیستم جمادی الثانی سال دوم و به روایتی سال پنجم بعثت در مکه به دنیا آمد. مادرشان حضرت خدیجه و پدر بزرگوارش محمد(ص) بود(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۴۵۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ ، ج۱، ۴۴۹؛ ابن ابی الثلج، ۱۴۱۰ ، ج ۱، ۷۱؛ قطب الدین‌راوندی، ۱۴۰۹، ج۲، ۵۲۴). رسول الله(ص) پیوسته در گفتار و رفتار خود فاطمه علیهاالسلام را می‌ستود، از او تجلیل می‌نمود، وی را سیده زنان عالم و پاره تن خود معرفی می‌کرد و رضای او را رضای الهی و ناراحتی او را مایه خشم خداوند می‌دانست(طبرسی، ۱۴۰۳، ج۲، ۳۵۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۲۵ و ۲۴).

موقعیت اجتماعی زن شایسته نبود ولی حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در انتقال رهبری امام علی علیه السلام تلاش خستگی ناپذیری انجام داد(ابن طیفور، بی تا: ۲۴- ۳۳)؛ ایشان طی هفتاد و پنج روز پس از رحلت رسول‌الله(ص) حماسه تاریخی خود را آغاز نمود و به تنهایی وارد میدان مواجهه با خلفا شد و عرصه را بر خلفا تنگ نموده، آنان را به اظهار ندامت واداشت و در برابر انحراف مردم از امامت و جدایی از احکام قرآن، انقلابی را در پیش گرفت که تاکنون ادامه دارد. واکاوی و نگرش موشکافانه نسبت به سیره مدیریتی حضرت فاطمه در مواجهه با رویدادهای پس از رسول‌الله(ص)، مجموعه‌ای از آموزه‌های توانمندسازی بانوان را در مسایل فرهنگی و اجتماعی شامل می‌شود. بر اساس مدل فوق، پیش‌نیازها و فرایند توانمندسازی بانوان مسلمان در سیره مدیریتی حضرت فاطمه(س) به شرح زیر است:

پیش نیازهای توانمندسازی بانوان مسلمان

الف) آموزش و ارشاد (اقتداربخشی به بانوان با تقویت منابع اندیشه‌ای و شناخت اولویت‌ها)

آموزش، افراد را قادر می‌سازد به نوعی دانش و شناخت کلی دست یافته تا به عنوان عضوی از یک جامعه، فعالانه ایفای نقش نمایند. آموزش، آماده‌سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. از مسائل بنیادی مورد توجه رسول الله(ص) و اهل‌بیت آن حضرت تبیین تئوری امامت الهی است. آموزش صحیح این مسأله به تبیین جایگاه و موقعیت اجتماعی امامت الهی منجر شده و اقتدار جامعه اسلامی را در پی داشت. حضرت فاطمه علیهاالسلام اطاعت از امامت و ولایت را موجب نظم یافتن ملت‌ها و رهایی امت از تفرقه معرفی نمود(ابن طیفور، بی تا: ۲۸) و با شناخت و بصیرت کافی نسبت به مقام و موقعیت امام علی(ع) و توانایی‌ها و شایستگی‌های ایشان، مصلحت جامعه نوپای اسلامی را در رهبری و امامت امام علی(ع) می‌دانست(رک: خطبه حضرت فاطمه در جمع زنان مدینه؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ، ج۱، ۱۰۸ و ۱۰۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۵۴) ؛ لذا تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام و مقام امامت بر نداشت.

اهتمام حضرت فاطمه علیها السلام به طرح جایگزین برای وضعیت نامطلوب موجود، اوج آگاهی سیاسی ـ اجتماعی یک زن را به نمایش می‌گذارد؛ آن جا که می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند و علی را بر کاری که رسول الله(ص) به عهده او نهاد، می‌گذاردند، آسان آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حقشان را به ایشان باز می‌گرداند. چنانکه کسی زیان نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. تشنگان عدالت از چشمه عدالت او سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می‌گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود»(ابن طیفور، بی تا: ج۱، ۳۲). حضرت فاطمه(س) با هدف توانمندسازی این بُعد فکری بانوان مسلمان و تأکید بر حمایت و حضور به موقع، با ارشاد و آموزش و به منظور آگاه ساختن آنان از راه خطایی که پیموده‌اند، به تکلیف و رسالت الهی خویش عمل می‌کرد و برای روشن‌ساختن افکار عمومی از انحراف مسیر امامت، چندین شبانه‌روز دست حسنین علیهماالسلام را می‌گرفت و سوار بر مرکبی می‌شد و همراه با حضرت علی(ع) به درِ خانه مهاجر و انصار می‌رفت تا آن‌ها را نسبت به غفلتی که دچار آن شده‌اند و انحراف موجود، بیدار سازد و غافلان و راحت‌طلبان را هوشیار سازد(ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ج۱، ۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج۲، ۵). فاطمه(س) در حقیقت، با رایزنی سیاسی خود با یاران رسول الله(ص) اتمام حجت می‌کرد و همچون بانویی مسوول و دغدغه‌مند با حضور خویش سعی می‌نمود مسیر انحراف امّت و مسیر واقعی را که امامت علی علیه السلام است روشن سازد و نیز حریم امامت و ولایت را بی‌پیرایه ارائه دهد.

قرآن و روایات اسلامی با توجه به جایگاه مهم خانواده در تعالی فرد و جامعه، نقش زنان در همسری(نساء، ۳۴) و مادری(احقاف، ۱۵) را بسیار ارزشمند معرفی نموده است و بنا بر تفسیر صحیحی از روایت (خیر مساجد النساء البیوت)(ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج۱، ۲۳۸ و ۳۷۴) تعالی زن از مبدأ خانه را، بهترین و مهمترین مسیر برای زنان تبیین نموده است. لذا به نظر می‌رسد در تزاحم میان وظایف زن در بعد خانوادگی و اجتماعی، اولویت را به همسری و مادری می‌دهد. در عین حال با به تصویر کشیدن عملکرد فاطمه علیها السلام، الگویی را ارائه می دهد که در تزاحم میان مادری و دفاع از استقرار حکومت اسلامی با فدا نمودن فرزند، جان خویش را هم به خطر انداخت؛ زیرا در حالی به دفاع پرداخت که علم به قصد مخالفان داشت(بلاذری، ۱۴۱۷: ج۱، ۵۸۶).

اهمیت آموزش، دانش و عشق به کمال در آن حضرت چنان بود که ارزش آن را بسان ارزش معنوی حسنین علیهما السلام

معرفی نمود(حسن بن علی(ع)، ۱۴۰۹: ۳۴۰؛ طبری، ۱۴۱۳: ۶۶). آن حضرت با راهنمایی و دلگرمی سعی در افزایش ظرفیت روحی بانوان داشت؛ لذا آنان را به پایداری، صبر و استقامت دعوت مي‌نمود. آن حضرت با وجود مراجعات مکرر بانویی دانش طلب و دوستدار علم، با شوق و حلم پاسخ پرسش‌های وی را داد و در مقابل اظهار شرمساری وی از مراجعه مکرر، آن را وظیفه آموزگاران دلسوز و راستین امت دانست که مورد عنایت ویژه خداوند قرار می‌گیرند(انصاری، ۱۴۲۸: ج ۲۱، ۱۶۲). اهتمام حضرت به این مقوله از آن روست که تقویت بُعد تفکر و علمی بانوان و دسترسی آنان به آموزش‌های مورد نیاز باعث احساس تعلق، بهبود عملکرد و احساس مسئولیت آنان شده و توانمندی آنان را در پی دارد.

فاطمه علیها السلام هنگام آموزش، حدود شرعی در مواجهه با نامحرمان را رعایت می کرد و معمولاً زنان به محضر آن حضرت می‌آمدند و پرسش‌های خود را مطرح می‌کردند مگر آنکه ضرورتی ایجاب می‌کرد که با مردان سخن گوید. ازاین رو وقتی برای مردان پرسشی پیش می‌آمد، همسران خود را نزد آن بانو فرستاده و سوألاتشان را مطرح می‌نمودند(حسن بن علی(ع)، ۱۴۰۹: ۳۰۸ و ۳۳۴). رفتار مثبت و آموزنده مربی موجب افزایش خودکارآمدی متعلمان می‌گردد. همچنین خودکارآمدی تاثیر مثبت و معناداری بر منش افراد دارد. وقتی ویژگی هایی مانند خوشرویی، تواضع و رأفت مربی و استاد منجر به جلب محبت متعلمین و پیشرفت آن ها می‌شود، نوع کنش استاد در تعامل با افراد مختلف نیز به عنوان الگو مورد تأسی قرار می گیرد. جلسات آموزشي براي زنان مدينه منوره به وسیله آن حضرت و تأکید بر لزوم افزایش علم و آگاهی بانوان و توانمندی آنان در حوزه آموزش با قیودی مانند لزوم رعایت حدود شرعی در آموزش به نامحرمان در سیره آن حضرت به طور غیر مستقیم ضرورت توجه بانوان به این مساله و و رعایت آن، توانمندی بانوان را در پی داشت.

ب) تأکید بر ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر

حضرت فاطمه علیهاالسلام تحقق جامعه و بانوان توانمند را نیازمند وجود یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر می‌دانست؛ لذا به عنوان رأس این ساختار حمایتگر، برای رفع نیاز پیروان خود همت می‌گماشت؛ اهدای فدک به حضرت فاطمه علیهاالسلام ضمن پشتوانه قرآنی، تدبیری حکیمانه از سوی رسول الله(ص) جهت برقراری پشتوانه حکومتی برای خلافت امیر المؤمنین علیه‌السلام بود و از طرفی در اختیار قرار دادن ثروت در دست افراد صالح بود تا بدین وسیله از ثروتی مشروع در امور مشروع استفاده به عمل آید. لذا حضرت فاطمه مصرّانه به دفاع از این حق پرداخت. وجود فدک در اختیار اهل‌بیت(ع) می‌توانست پشتوانه‌ای برای مسأله ولایت باشد، همانطور که اموال خدیجه علیهاالسلام پشتوانه‌ای برای پیشرفت اسلام در آغاز نبوت رسول الله(ص) بود. بنابراین گرفتن این میراث برابر با منزوی کردن اهل‌بیت(ع) بود. فاطمه علیهاالسلام هر ساله درآمد فدک را که به ۲۴ هزار دینار - و بنا بر نقلی ۷۰ هزار دینار- می‌رسید(ابن طاووس، ۱۳۷۰: ۱۲۴) میان فقرای بنی‌هاشم و مهاجران و انصار تقسیم می‌کرد؛ به گونه‌ای که نزد او فقط مقداری در حد مخارج ضروری باقی می‌ماند(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج۱: ۱۴۲). ایثار و بخشش فاطمه علیهاالسلام در قالب اهدای گردنبند(طبری، ۱۴۲۰: ۲۲۱) و لباس عروسی خود(شوشتری، بی تا: ج ۱۰، ۴۰۲) در همین ساختار قابل تحلیل است زیرا مهم ترین شب زندگی هر دختری هنگامي است که با لباس سپید از خانه پدری را به سوی خانه همسرش مي رود تا حیات نويني آغاز کند. آن حضرت با این انفاق دیگری را برخود مقدم داشت. این عمل وی به قدری جالب و این انفاق، به اندازه‌ای بزرگ است که کمتر مي توان در تاریخ نمونه‌های آن را آورد. حمایت‌های آن حضرت، یاران را در گرایش مذهبی سیاسی خود تثبیت می‌کرد و مانع جذب و مراجعه آنان به دستگاه خلافت می‌گردید. از آن جمله سخنراني مهيج و آتشين آن حضرت در جمع زنان مدينه منوره بود(ابن طيفور بغدادي، بی‌تا: ۳۷)؛ و از حامیان سرسخت اهل بیت اسماء بنیت عمیس از حامیان اهل بیت بود(مسعودي، ۱۴۲۱: ۱۵۵). از دیگر زنان متاثر از فاطمه فاطمهسلام الله علیها اروي بنت حارث بن عبدالمطلب بود که در برابر معاویه از وصایت امام علي دفاع کرد(ابن طيفور بغدادي، بی تا: ۴۴).

وصیت آن بانوی بزرگوار در مورد بوستان‌های هفتگانه خویش و وقف محصول آن برای کارهای شایسته و انسان‌دوستانه زیر نظر امیرالمؤمنین و دیگر فرزندان معصومش نیز گواهی دیگر بر سخاوت آن حضرت و لزوم توانمندسازی امت اسلام است(انصاری، ۱۴۲۸: ج ۲۱، ۴۹۲). در واقع آن بانوی آزادی خواه بدور از قید و بندهای بیهوده و حرص و آز تجملات، از راهبران آزادمنشی بود که مسؤولیت اجتماعی خود را مبارزه با ستم معرفی کرد. آن حضرت هدف از مشارکت اجتماعی در تنظیم شئون مردم را تحقق عدالت در

ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ، قضایی، حقوقی و تأمین آزادی و امنیت و حقوق مادی و معنوی جامعه می‌دانست.

از آنجا که در یک ساختار اجتماعی و فرهنگی پویا، اطلاعات کافی و منابع لازم جهت انجام موفقیت‌آمیز کارها باید فراهم گردد(kane, 2006 ,p 1)، فاطمه علیهاالسلام درصدد حمایت و توجیه سیاسی، نظارت فکری و عقیدتی خواص شیعه و افزایش آگاهی آنان در برابر فشارها بود تا از عهده مسئولیت و وظایف دینی خود برآیند. حمایت فکری و عقیدتی بانوان، آنان را در مواجهه با شبهات بیمه می‌کرد. در روایتی به اختلاف دو زن (یکی با ایمان و دیگری معاند و مخالف اسلام) در یکی از مباحث دینی پرداخته شده که برای حل آن به حضور حضرت فاطمه علیها السلام رسیدند. آن حضرت به زن با ایمان در گفتن دلایل و ادله‌ی خود کمک کرد تا بتواند مطالب حق خود را اثبات کند. او که توانست حرف خود را اثبات کند، از این جهت بسیار خوشحال شد. حضرت فاطمه نیز خشنودی فرشتگان را از پیروزی آن زن بیشتر دانست، چنانکه غمگین شدن شیطان و پیروانش را نیز بیش از ناراحتی و حزن آن زن دیگر اعلام نمود(طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۸، ح ۱۵). فاطمه علیها السلام از این طریق به آموزش روش استدلال و تحلیل به بانوان می‌پرداخت. در این مرحله، آن حضرت از طریق حمایت مالی، عقیدتی و فکری که بیانگر ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در سازمان است، حمایت از استمرار توانمندسازی را منجر شد.

ج) سَبک رهبری

رهبری، هنر هدایت و توانمندسازی دیگران است و مدیران توانمند به خوبی می‌دانند که موفقیت آن‌ها در گرو موفقیت گروه کاری آن‌هاست. چنین مدیرانی به عنوان یک هادی، تسهیل کننده و مربی عمل می‌کنند(محمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۸) و سعی می‌کنند نیروی انسانی را از وابستگی به سمت عدم وابستگی سوق دهند. جامعه اسلامی پس از رحلت رسول الله(ص) بویژه با رویکرد نه چندان مثبت مکتب خلفا در مورد بانوان، به سمتی حرکت کرده بود که نخستین نشانه‌های انحراف آن در خصوص بانوان نمودار گشت و این در واقع بازتولید سنت‌های عصر جاهلیت بود. فاطمه علیهاالسلام با حضور خویش ضمن به چالش گرفتن باورهای جاهلانه، در جهت بازیابی هویت انسانی جامعه مسلمانان گام در مسیری بس دشوار نهاد. آن حضرت که نظاره‌گر خروج رهبری امت از محور خود بود، امور مهم دیگر را نیز در معرض این آفت می‌دید و هر گونه ساکت ماندن را نوعی تأیید بر کارهای ناروا می‌دانست؛ چه بسا حتی برای همیشه کاری قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدعیان خلافت تلقی گردد. بدین جهت حضرت فاطمه در مواردی مخالفت خود را با اعتراض و انتقاد و شِکوِه اثبات رساند.

حضرت فاطمه به عنوان اولین آمر به معروف، معتقد به اصلاح در ارکان فکر دینی و نجات و تربیت انسان‌ها بود. ایشان هدایت و مدیریت نسل‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها را هدف قرار داده بود. وی خطاب به حاضران در مسجد مدینه، آن‌ها را امنای الهی در همه سرزمین‌ها دانسته و رسالت پیام‌آوری و عمل به پیام الهی را مسوولیت همه بندگان خدا می‌داند؛"شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امین‌های خدا بر یکدیگر، و مبلّغان او بسوی امّت‌هایید زمامدار حق در میان شما بوده است"(طبرسی، ۱۴۰۳: ج۱، ۹۹؛ ابن طیفور، بی تا: ج۱، ۲۶).

نگرش داهیانه و در عین حال نقادانه حضرت فاطمه(س) به وضعیت پیرامونی خویش، از عمق دقت و وسواس آن بانو نسبت به مسائل و وضعیت جامعه حکایت می‌کند و به خوبی نشان می‌دهد که زنانگی تأثیر منفی بر حساسیت اجتماعی نمی‌تواند داشته باشد. شیوه مبارزاتی فاطمه(س) ارائه آگاهی و رشد سیاسی به زنان مهاجر و انصار بود که بدین‌وسیله شعاع مبارزه در خانواده‌های مدینه وارد می‌شد. هدف آن حضرت گوشزد کردن مشکلاتی بود که در صورت انحراف در مسیر ولایی برای ایشان به وجود می‌آید؛ لذا آنان را به بصیرت دعوت می‌کرد. در واقع برافروخته نگاهداشتن نور ایمان، آماده نگاهداشتن افراد برای جانفشانی در راه مکتب اسلام و تحمل کمبودها، رسالت مهم فاطمه علیهاالسلام در توانمندسازی بانوان مسلمان بود. این بانوی شکست‌ناپذیر که تمام تاب و توان خود را در دفاع از حریم ولایت و امامت قرار داده بود، به علت مجروحیت ناشی از حمله به منزلشان(ابن عبدربه، ۱۳۶۳: ج ۵، ۱۹)، بیمار و ناتوان شد. به همین دلیل، پس از مدتی به علت بیماری و ضعف، در خانه بستری شد. وقتی خبر بیماری آن حضرت در مدینه پیچید، زنان مهاجر و انصار که وامدار تعلیم و تربیت فرهنگی آن حضرت بودند، برای عیادت وی به خانه‌اش آمدند. وقتی از حال آن حضرت جویا شدند، از حال بیمار خود و سقط فرزندش چیزی نگفت، بلکه در دفاع از حریم ولایت به سخن پرداخت و از سستی مردانشان سخن راند

که حق را فراموش کرده‌اند و سکوت اختیار نموده‌اند. بازتاب سخنان دخت رسول الله(ص) تا حدی تاثیرگذار بود و نطفه‌های آگاهی را بارور کرد(ابن طیفور، بی تا: ج۱، ۳۲؛ جوهری، بی تا: ج۱، ۱۱۷؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۴۹۲ و ۴۹۳). این سبک رهبری نشان می‌دهد اگر در جامعه‌ای به جای مشغول ساختن زنان به خود، کار فرهنگی و فکری صورت گیرد و به آنان آگاهی سیاسی داده شود، آنان بهتر می‌توانند در شناخت برای حق و حقیقت بدون تعارف‌های دیپلماتیک و بازی‌های سیاسی وارد صحنه شوند و به دفاع بپردازند. برای نمونه حضرت فاطمه(س) در نقد مردمان زمانه خطاب به زنان عیادت کننده‌اش می‌گوید: «به خدا دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما بیزارم! درون و برونشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم! چون تیغ زنگار خورده نابرّا و گاه پیش روی واپس گرا و خداوندان اندیشه‌های تیره و نارسایند. خشم خدا را به خود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند»(اربلی، ۱۳۸۱ : ج ۱، ۴۹۲ و ۴۹۳).

در دوران پسا نبوی(ص)، کنار نهادن بانوان از متن تحولات جامعه از یک سو و تمکین و پذیرش وضعیت موجود از سوی بانوان از طرف دیگر که بنا به مقتضیات اجتماعی و تنگناهای اقتصادی صورت می‌گرفت، باعث آن گردید که بانوان چونان قشر محروم و فراموش شده‌ای از جامعه تلقی گردند که حیات و زندگی خویش را وامدار توجه مردان هستند. این وضعیت زمینه انزوای هرچه بیشتر زنان از متن تحولات اجتماعی را فراهم آورده بود و هر اقدامی در جهت اصلاح این روند، نوعی بدعت تلقی شده و به شدت با آن برخورد می‌شد. حضور دخت رسول الله(ص) در راستای ارایه تصویر صحیح از زن مسلمان، ضرورت آمادگی برای تأثیرگذاری در عرصه عمومی را تبیین نمود.(به عنوان مثال خطبه حضرت فاطمه در جمع زنان انصار (ابن طیفور بغدادي، ۱۴۲۱: ۳۷)

از دیگر جنبه‌های سبک رهبری آن است که مدیران نقش یک الگو را برای فردی که می‌خواهد او را به ثمر برساند بازی کنند(Block, 1987, P 36). سخنرانی هوشمندانه فاطمه علیهاالسلام با تکیه بر غصب «فدک» توسط خلیفه وقت(طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۹۷- ۱۰۹)، به عنوان یک حربه سیاسی و فرصت مناسب دیگر برای به حرکت درآوردن اذهان جامعه در واکنش نسبت به غصب خلافت مسلّم حضرت علی(ع) قابل توجه است. در حقیقت، آن بانو به نام غصب حق مالکیت خویش، به اعتراض سیاسی و استیضاح حاکم وقت پرداخت و به مسجد رفت و خطبه خواند(همان؛ دین پرور، ۱۳۵۵: ۵۶- ۶۱).

فرآیند توانمندسازی بانوان مسلمان

الف) ارائه اطلاعات (مهارت‌افزایی در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها)

اطلاعات، خون حیات توانمندسازی است(آقایار، ۱۳۸۲: ۲۴- ۵۶). ارائه اطلاعات به نیروی انسانی اجازه می‌دهد موقعیتهای نهاد خود را بشناسند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند(نادری و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۳). هدف حضرت فاطمه علیها السلام از منازعه، صرفاً بدست آوردن فدک نبود. بلکه هدف روشنگری مردم نسبت به سردمداران و مدعیان حکومت اسلامی بود. هدف او پیشگیری از تحریف احکام الهی بود و همان طور که در خطبه خود که بزرگترین حمله علیه تجاوز حکومت وقت بود روی این مطلب تکیه کرد که حدیث ساختگی در مورد میراث پیامبران بر خلاف قرآن است و این حکام سعی در تحریف احکام الهی و ایراد اتهام و جعل اکاذیب بر رسول الله(ص) را دارند تا به مطامع خود برسند و آنجا مطرح فرمود که اکنون خلافت را همچون شتری مهار کرده و جهاز بر نهاده در اختیار گیر اما روز محشر بی‌گمان فرا خواهد رسید و بدان که دادگرترین حاکم، خداوند و دادخواه‌ترین کس محمد و بهترین میعادگاه، قیامت است و در آن روز تباه‌کاران به زبان در خواهند ماند(طبرسی، ۱۴۰۳: ج۱، ۱۰۳ و ۱۰۴). ایشان سعی در افشای شخصیت دینی حکام وقت داشت و می‌خواست چهره آنان را آنچنان که هست جلوه دهد؛ زیرا می‌دانست که اگر حکومت به آن شکل به نام اسلام ادامه یابد برای همیشه حکومت حق از بین می‌رود و اگر همان حکومت هم سرنگون شود فتنه‌ای بپا خواهد شد که اصل اسلام را مورد تهدید قرار دهد. در چنین وضعی این بانو وظیفه داشت به نحوی قیام کند که نه حکومت سقوط کند و نه مردم دولت را حکومت قانونی اسلام بشناسند و لذا به مسجد رفت و در آنجا هدف خود را ضمن خطبه‌ای که در آن نفوذ کلام و شخصیت فاطمه علیهاالسلام نمودار بود اعلام کرد و فرمود: "ای بندگان خدا شما باید حق را بگویید و به سایر امم برسانید"(ابن طیفور، بی تا، ص ۲۸ و طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۹۹).

فاطمه علیهاالسلام می‌خواست که مردم، دین را از لحاظ قانون و مجرای الهی بشناسند و انحرافات متصدیان امر را به حساب دین و خدا و رسول خدا(ص) نگذارند و نشان داد که اگر حق را نمی‌توانید محقق کنید لااقل آن را جلوه‌گر کنید که اگر حق متجلّی شود خود راه را باز کرده و مخالفینش را نابود خواهد کرد. آن حضرت در حرکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود به دفاع از حق ارث

زن در اسلام می‌پردازد. این حرکت بر خلاف راه و رسم موجود در افکار جاهلی بود که در بعضی از اذهان رسوخ داشت. اما معیار برای فاطمه علیهاالسلام اسلام بود، نه عرف و سنت‌های جاهلی. آن حضرت توانست با حضور در مرکز اجتماع مسلمانان و معتبرترین مکان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - یعنی مسجد- به احتجاج با خلیفه وقت بپردازد و او را به استیضاح بکشاند و با رسوایی حاکمان وقت، تا حد زیادی مشروعیت آنان را زیر سوال بَرَد و رسم‌های جاهلیت را در هم بشکند و نشان دهد که هیچ حکومتی نمی‌تواند حق کسی را غصب کند، حتی اگر این حق متعلق به یک زن باشد.

خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام نمایانگر توانمندی علمی آن حضرت است؛ که ابعاد مختلف اصول اعتقادی درباره توحید و رسالت و امامت، معاد، قرآن، ویژگی های جامعه جاهلی با کلامی بلیغ تفسیر و تبیین می گردد. از طرفی دیگر او را یک روانشناس و مصلح اجتماعی می‌یابیم که به روحیات و افکار افراد آگاهی کامل داشته، نقاط ضعف و قوت آنان را کاملاً می‌شناخته است. از جهت دیگر در مسایل سیاسی او را سیاستمداری آگاه به زمان می‌یابیم که به تمامی توطئه‌ها و دسیسه‌های منافقان و کفار و مشرکان آشنا بوده، به افشای آن می‌پرداخته و حقایق را بازگو می‌کرده و با منطق محکم و استدلال، خواستار بازگشت حق به صاحب اصلی آن بوده است؛ حتی در بستر بیماری و در زمان عیادت زنان مدینه از ایشان، مسایل سیاسی را عمیقاً برای آنان باز کرده و به معرفی چهره فرصت‌طلبان و آنانی که مبادی اسلام را به سخره گرفته‌اند پرداخته و حق و باطل را روشن ساخته است. آن حضرت در حضور زنان مدینه ، با ذکر سستی و تجاهل مردان انصار برای بانوان آن‌ها، می‌خواست تا این بانوان پیام حضرت را به مردانشان برسانند و اشتباهاتشان را به آنان متذکر شوند. لذا حضرت به جای اینکه از درد جسمانی ناشی از سقط جنین خود سخن گوید، از آلام درونی و رنج های روحی و پیشامدها و آینده ی ناگوار جامعه اسلامی سخن راند. در این مرحله اطلاعات و منابع مورد نیاز برای توانمندسازی و تهییج زنان انصار در انجام وظایف فراهم می‌گردد و به آنان توان بصیرت و آگاهی می بخشد تا قادر به تصمیم‌گیری و شناخت راه صحیح گردند و توانایی مواجهه با حوادث و چالش‌های آینده را پیدا کنند. لذا آن حضرت با تقویت این ویژگی از طریق ارائه اطلاعات و ایجاد بصیرت، به مهارت‌افزایی جامعه بویژه بانوان عمق بخشید.

ارائه اطلاعات و مهارت‌افزایی در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها در سیره حضرت فاطمه علیها السلام، به نقش کلیدی حضرت در آگاه‌سازی و روشنگری جامعه نسبت به تحریف‌های حکومتی و احکام الهی اشاره می‌کند؛ این اقدام ایشان نمونه‌ای بارز از توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی بانوان است که با بهره‌گیری از دانش، آگاهی و قدرت کلام، ضمن حفظ اصول دین، مردم را به شناخت حقایق و مقابله با ظلم و تحریف دعوت نمودند. این فرایند، فراتر از صرفاً مبارزه سیاسی، به تقویت روحیه انتقادی، بصیرت دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانوان مسلمان کمک کرده و الگویی عملی برای نقش‌آفرینی فعال آنان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ارائه می‌دهد. به این ترتیب، سیره حضرت فاطمه علیها السلام نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان مسلمان فراتر از مسائل فردی، مستلزم آگاهی‌بخشی، نقد اجتماعی و مشارکت فعال در تحولات جامعه است و از طریق انتقال اطلاعات صحیح، آگاهی‌بخشی و مشارکت در دفاع از حق و عدالت، می‌تواند زمینه‌ساز تحولات مثبت در جامعه اسلامی باشد.

ب) استقلال (تقویت احساس خودکارآمدی در بانوان)

تلاش حضرت فاطمه علیهاالسلام در جلوگیری از نهادینه شدن باورهای غلطی چون صرف خانه نشینی زن و اکتفا به امور منزل و اختصاص مدیریت عرصه عمومی به مردان از سوی سردمداران پس از رسول الله(ص)، نمونه‌ای از عملیات کنترل اجتماعی است. آن حضرت با حضور اجتماعی خود در مسجد درباره ماجرای فدک و ایراد خطبه فدکیه(طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۹۷- ۱۰۹) و حضور بر در خانه های انصار(ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ج۱، ۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج۲، ۵) خط بطلانی بر این انگاره‌ها کشید و در عرصه عمومی به دفاع از ولایت و حق ارث زن در اسلام پرداخت(ابن طیفور، بی تا: ۲۸ - ۳۰). این موارد نشان از تقویت کارآمدی در بانوان در حوزه های مختلف است که به صورت عملی از سوی آن حضرت نهادینه شد. از آنجا که از مهمترین پایه‌های لازم برای استواری نظام خانواده اقتصاد سالم و پویا می‌باشد، حضرت فاطمه علیهاالسلام در توانمندسازی بُعد اقتصادی خانواده نیز نقش داشت. آن حضرت علاوه بر تربیت فرزندان و انجام امور عادی زندگی، بافندگی می‌کرد تا از محل درآمد آن کمک هزینه‌ای برای زندگی فراهم

شود(ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۵۷). این مسأله نشان از لزوم توجه بانوان به حرفه‌های هنری است. اهمیت این تأکید علاوه بر آثار مثبت روانی در روحیه افراد خانواده و کمک به بنیه اقتصادی خانواده، به توانمندسازی اقتصادی و استقلال اقتصادی بانوان نیز منجر می‌شود.

نتیجه

هدف بلند مدت توانمندسازی، بهبود مستمر در عملکرد کل نهاد و هدف کوتاه مدت آن بکارگیری توانایی‌های موجود در اعضای آن است. تلاش فاطمه علیها السلام در این دوره دفاع از امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تثبیت نظام امامت و خط رسالت از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تلاش در حاکمیت روح قرآن و سنت نبوی و پرهیز از رجعت به جاهلیت بود. دیدار آن حضرت با زنان، حکام زمانه و صاحبان نفوذ در همین راستا صورت پذیرفت.

اقتدار بخشی به بانوان با تقویت منابع قدرت نرم اندیشه‌ای از طریق آگاهی‌بخشی در مورد نظریه امامت الهی، تقویت احساس خودکارآمدی با حمایت سیاسی، عقیدتی و مالی و مهارت‌افزایی بانوان در مواجهه با چالش‌ها، تهدیدها و شبهات از جمله موارد توانمندسازی است. در این میان سَبک و نوع رهبری را می‌توان به عنوان یک عامل مهم در توانمندسازی در نظر گرفت. وظیفه رهبران فراهم ساختن تسهیلاتی جهت پیاده‌سازی روند توانمندسازی است. این استراتژی‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر نگرش و رفتار نیروی انسانی می‌شوند و زمینه را برای تربیت نیروی متخصص و توانمند مهیا می‌سازد. حضرت فاطمه علیهاالسلام با آگاهی نسبت به ظرفیت بالقوه بانوان به عنوان مهمترین منبع، در محیطی که نگاه تقلیل گرایانه نسبت به این گروه تفکر غالب آن بود، توانست با رهبری هوشمندانه این رُکن انسان‌ساز و تمدن ساز، برنامه‌های خود را اجرا و بانوان را نسبت به وظیفه حساس و خطیرشان در جامعه گوشزد و آماده کند. بر این اساس بررسی سیره آن حضرت می‌تواند راهبردهایی دقیق و علمی در حوزه توانمندسازی جامعه بانوان در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی قرار دهد.

منابع

-قرآن کریم

۱. آقایار، سیروس(۱۳۸۲)، "توانمندسازی روشی نوین در محیط رقابتی"، مجله تدبیر، شماره ۱۳۵.

۲. ابن‌شهرآشوب، محمد(۱۳۷۹)، مناقب آل ابی‌طالب، قم: علامه.

۳. اربلی، علی‌بن‌عیسی(۱۳۸۱)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.

۴. ابن ابی الثلج بغدادی، محمد بن احمد(۱۴۱۰)، تاریخ اهل البیت، قم: نشر آل البیت.

۵. ابن طیفور، احمدبن ابی طاهر(۱۴۲۱ق)، بلاغات النساء، تحقیق برکات یوسف هبود، بیروت، مکتبه العصریه، بیروت.

۶. ابن ابی الحدید(۱۳۸۵)، شرح نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمّد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۷. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی(۱۴۰۳)، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۸. ----------(۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۹. ----------(۱۳۷۶)، الامالی، تهران: کتابچی، چ ششم.

۱۰. احمد بن محمد، ابن عبد ربه(۱۳۶۳)، العقدالفرید، تحقیق و شرح احمد امین، قاهره: مطبعه اللجنه و التألیف و الترجمه و النشر.

۱۱. ابن طاووس، سید رضی الدین(۱۳۷۰)، کشف المحجه لثمره المحجه، نجف: حیدریه.

۱۲. ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله(۱۴۱۰)، الامامه و السیاسه، بیروت: دارالاضواء، ط الاولی.

۱۳. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل(۱۴۲۸)، الموسوعه الکبری عن فاطمه الفاطمه، قم: دلیل ما، چ اول.

۱۴. اسکات، سینیتا و ژافه، دنیس(۱۳۷۵)، تواناسازی کارکنان، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، کرج: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی(۱۴۱۷)، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ط الاولی.

۱۶. تاج الدین، محمد باقر، رحمتی والا، لیلی(۱۳۹۳)، رسانه ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار(مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار منطقه ۱۸ تهران)،مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۷.

۱۷. جعفرزاده، رحیم(۱۳۸۶)، "الگوی انتقالی در ارزیابی اثر بخش آموزش کارکنان"، ماهنامه مدیریت تدبیر، شماره ۸۶.

۱۸. جعفری قوشچی، بهزاد(۱۳۸۰)، "راه های توانا سازی کارکنان"، ماهنامه مدیریت تدبیر، شماره ۱۱۹.

۱۹. جوهری بصری، احمد(بی تا)، السقیفه و الفدک، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.

۲۰. حسن‌بن‌علی، امام یازدهم(۱۴۰۹)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، قم: مدرسه الامام المهدی(عج).

۲۱. دیوید ای/ تن و کیم/ اس. کمرون(۱۳۸۳)، تواناسازی و تفویض اختیار، ترجمه دکتر بدرالدین اورعی یزدانی، تهران: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

۲۲. دین‌پرور، سیدجمال‌الدین(۱۳۵۵)، فاطمه بر کرسی رهبری، تهران: روزبه.

۲۳. شوشتري، قاضي نورالله(بی تا)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، تصحیح آیه الله العظمی السید شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی، قم المقدسه: د کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۲۴. -قطب‌الدین‌راوندی، سعید(۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، قم: موسسه امام مهدی.

۲۵. -طبرسی، احمدبن‌علی(۱۴۰۳)، الاحتجاج، مشهد: مرتضی.

۲۶. طبری، محمدبن‌جریر(۱۴۱۳)، دلائل الامامه، قم: موسسه البعثه.

۲۷. طبری، محمد بن علی(۱۴۲۰)، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، تحقیق جواد قیومی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.

۲۸. طوسی، محمد بن الحسن(۱۴۱۴)، الامالی، قم: دارالثقافه، چ اول.
۲۹. عبدالهی، بیژن و نوباوه، عبدالرحیم(۱۳۸۵)، توانمندسازی کارکنان کلید طلایی مدیریت منابع انسانی، تهران: ویرایش.
۳۰. العاملی، جعفر مرتضی(۱۴۱۸)، مأساه الفاطمهء، بیروت: دارالسیره، چ دوم.
۳۱. فرهنگی، علی اکبر و اسکندری، مجتبی(۱۳۸۲)، "معرفی توانمندسازی در مدیریت و الگوهای آن"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۹۹- ۱۲۱، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۲. کرمی، علی(۱۳۸۰)، سیره و سیمای ریحانه پیامبر، قم: دلیل ما، چ اول.
۳۳. کلینی، محمدبن‌یعقوب(۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین(بی تا)، شرح احقاق الحق، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی نجفی.
۳۵. محمدی، محمد(۱۳۸۱)، "توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره های ۳۳ و ۳۴، صص ۱۷۵- ۲۰۴، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۶. مسعودي ابوالحسن(۱۴۲۱ه)، اثبات الوصيه لعلي بن ابي طالب، بیروت، دارالاضواء.
۳۷. نادری، ناهید؛ رجایی پور و سعید؛ جمشیدیان، عبدالرسول(۱۳۸۶)، "مفاهیم وراهبردهای توانمندسازی کارکنان"، ماهنامه مدیریت تدبیر؛ شماره ۱۸۶.
38. -Gerbich, c. (2007). Qualitative data analysis: An Introduction. London : Sage Publications.
39. -Block, P.(1987). The Empowerred Manager: Positive Polotical Skills at Work . San Francisco: Jossey- Bass.
40. -Kane, Christine. (2006), Management role in shaping organizational culture , from: http://www.black well- synergy.com/doi/abs/10.1111/y.1365-2934.2006.00596.x